

## دکتر حمید رضا وردی

عضو هیأت علمی  
دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند

### فاطمیان و روابط بین‌الملل

#### چکیده

فاطمیان به عنوان یکی از حکومت‌های مستقل جدا شده از حکومت‌های عباسی بغداد و در مقابل آنها برای مدتی نزدیک به ۲۷۰ سال در شمال آفریقا و مصر حکومت کردند. آنها برای اینکه از سایر حکومت‌های مسلمان نظیر عباسیان بغداد و امویان اندلس عقب نمانند، تشکیلات اداری، فضایی و نظامی گسترده‌ای دایر نمودند و از طرفی برای این که سیادت خود را بر جهان اسلام به عنوان خلفای مسلمان به اثبات رسانند، اقدام به روابط گسترده‌ای با سایر دول نمودند. این حمایت این دولت‌ها را جهت مقابله با دشمنان خویش به دست آوردند. در ابتدای امر رابطه‌ای مبتنی بر مدارا و تسامح و به صورت محدود با قبایل و دول همجوار برقرار نمودند ولی با فتح مصر و فزونی قدرت این رابطه را به سایر دول تا هند و شمال ایران توسعه دادند و داعیان خود را برای تبلیغ کیش اسماعیلی به این سرزمین‌ها گسیل داشتند.

**کلید واژه‌ها:** روابط فاطمیان با روم شرقی، سیسیل، شام و حلب، عباسیان، آل بویه، سلجوقیان، حجاز، بنی حمادوبنی زیری، یمن، قرمطیان، دروز.

#### مقدمه

فاطمیان از حکومت‌های مستقل مسلمان بودند که در سال ۲۹۷ هـ.ق بخش وسیعی از ممالک اسلامی را از سلطه عباسیان خارج کردند و در شمال آفریقا حکومت خود را بر پا داشتند. آنها خود را فرزندان حضرت فاطمه زهرا (س) می‌دانستند و پس از امام جعفر صادق (ع) قایل به امامت اسماعیل فرزند بزرگ امام که قبل از پدر از دنیا رفت شدند. فاطمیان به سرعت سرزمین‌های تحت نفوذ خود را توسعه دادند و سرانجام در سال ۳۵۸ هـ.ق مصر را نیز فتح کردند و از همین زمان بود که به اوج رسیدند. دوره ۲۷۰ ساله حکومت فاطمیان در شمال آفریقا و مصر را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد. دوره اول تا

فتح مصر که پیوسته در پی تثبیت حکومت و توسعه آن بودند. دوره دوم که از حکومت المعز فاطمی آغاز و تا پایان دوره مستنصر فاطمی ادامه می‌یابد. دوره اوج ترقی و شکوفایی فاطمیان از نظر قدرت نظامی و گسترش علم و هنر می‌باشد. در این دوره فاطمیان با تشریفاتی هر چه تمام‌تر به حکومت سلطنتی خویش ادامه دادند و موفق شدند در بخش وسیعی از ممالک اسلامی به عنوان خلفای جهان اسلام در مقابل خلیفه عباسی بغداد و خلیفه اموی اندلس، حکومت نمایند. دوره سوم که دوره ضعف همه جانبه حکومت فاطمی است تا پایان حکومت آنها یعنی دوره خلافت العاضد فاطمی ادامه یافت و سرانجام با آمدن صلاح الدین ایوبی به مصر در سال ۵۶۷ هجری و مرگ العاضد دولت فاطمی منقرض شد و حکومت از فاطمیان به ایوبیان انتقال یافت.

از آنجا که فاطمیان خود رادر مقابل عباسیان خلفای بر حق جامعه اسلامی و نمایندگان شیعه اسماعیلی می‌دانستند سعی فراوان به عمل آوردند که دعوت خود را در سراسر ممالک اسلامی و غیراسلامی گسترش دهند و از طرفی نیز روابط گسترده‌ای با دول همجوار چه به لحاظ سیاسی و چه اقتصادی برقرار نمودند.

فاطمیان برای برقراری این رابطه ناوگانهای بزرگی از کشتیهای جنگی و تجاری در اختیار داشتند و از طرفی تجارت آنها از طریق خشکی و با دول همجوار نیز برقرار بود. اقتصاد و به تبع آن تمامی مظاهر حکومتی آنها تحت تأثیر نیل بود. نقصان آب نیل قحطیهای متعددی را به وجود آورد و این به طور مستقیم در روابط آنها به خصوص با بیزانس تأثیر گذاشت و از عوامل مهم ضعف خلافت فاطمی و سرنوشتی آنها شد. عوامل قومی و نژادی، عقیدتی و مذهبی، درگیریهای سیاسی و نظامی با دولتهای همجوار، اقدامهای فرهنگی عباسیان و حامیان آنها بر ضد فاطمیان، مالیاتهای متعدد و بی‌رویه و انشعابهای فرقه‌ای که در دوره سوم خلافت فاطمی ایجاد شد از عوامل مهم سرنوشتی آنها بوده است.

حکومت فاطمیان در شمال آفریقا و مصر همچون همه حکومتهای دیگر از دو بعد حکومت و سیاست و همچنین علم و تمدن قابل بررسی می‌باشد. آنها اگر چه به لحاظ

سیاسی تاریخی پرفراز و نشیب همراه با خشونت و سختگیری با مخالفان داشتند ولی باید گفت از لحاظ علم و تمدن یکی از دوره‌های با شکوه فرهنگ و تمدن اسلامی را رقم زدند و تا حد زیادی توانستند بر فرهنگ و تمدن دولتهای همجوار به ویژه دولتهای مسلمان تأثیر گذارند.

### روابط فاطمیان با روم شرقی

فاطمیان پس از فتح مصر و رو نهادن به شام، پیوسته از جانب رومیها تهدید می‌شدند. المعز سعی فراوان کرد که شهرهای شام را از دست بیزانسیها خارج کند. جنگ میان رومیها و فاطمیان در خشکی و دریا برقرار بود تا این که در سال ۳۷۷ هـ.ق امپراتور روم با سیلیوس دوم هدایایی برای العزیز گسیل داشت و خواستار صلح شد. این صلح برای مدت هفت سال برقرار بود ولی دوباره جنگ آغاز شد و به دنبال آن برای نوبت دوم صلحی منعقد شد که جنگ را برای ده سال خاتمه داد و امپراتور روم تعهد کرد مصر را از نظر مایحتاج غذایی کمک کند و در عوض مسلمانان کلیساها را تجدید بنا کنند و آزادی دینی مسیحیان را به رسمیت شناسند. ۱ زمانی که الحاکم روی کار آمد بر مسیحیان سخت گرفت و امپراتور روم روابط خود را با فاطمیان قطع کرد و این تا مرگ الحاکم ادامه یافت. ۲

در دوره الظاهر روابط با روم به سبب تلاشهای عمه‌اش ست الملک و تسامح با مسیحیان بهبود یافت. کلیساها تجدید بنا شد و در سال ۴۱۸ هـ.ق سفیران الظاهر نزد کنستانتین هشتم رفتند و صلحی را منعقد کردند و قرار شد فاطمیان، کلیسای قیامت و سایر کلیساهای ویران شده را تجدید بنا نمایند و امپراتور روم به نیابت از خود به طریقی در بیت‌المقدس داشته باشد و دولت فاطمی دشمنان بیزانس مستقر در سیسیل را یاری ندهد. در مقابل امپراتور روم تعهد کرد، اسم خلیفه در خطبه جامع قسطنطنیه و مسجدها آورده شود، اسیران مسلمان را آزاد کند، جامع قسطنطنیه را تجدید بنا نماید و کمکهای خود به حسان بن مفرج بن جراح، صاحب رمله که بر ضد الظاهر قیام کرده بود، قطع کند. ۳

روابط روم شرقی با فاطمیان تا اوایل دوره المستنصر بسیار خوب بود. در سال ۴۲۹ هـ.ق قرار شد پنج هزار اسیر مسلمان آزاد شوند و در مقابل معماران مسیحی کلیسای قیامت را تجدید بنا نمایند. هنگامی که کنستانتین نهم به حکومت رسید برای المستنصر در سال ۴۳۷ هـ.ق هدیه‌هایی شامل سی قنطار طلای سرخ فرستاد. المستنصر به دلیل قحط در مصر از امپراتور روم خواست چهل هزار اردب گندم کرد تا در عوض او را بر ضد دشمنانش یاری دهد. در دوره تیودور سیاست روم شرقی تغییر کرد. کمکهای غذایی به مصر قطع شد و المستنصر قاضی ابوعبدالله القضاعی را برای رفع اختلاف به قسطنطنیه فرستاد. ۴

فاطمیان پس از استقرار در شمال آفریقا اقدام به تشکیل ناوگان نمودند و چند بار درنبرد با بیزانس به پیروزیهایی رسیدند با آمدن فاطمیان به مصر نیاز بود که بر توان دریایی خود بیفزایند زیرا سواحل بیشتری را در اختیار داشتند و بر سواحل شام و حتی بیزانس سیطره پیدا کردند. همچنین سواحل دریای سرخ و افریقیه رانیز تحت نفوذ خود نگه داشتند. فاطمیان در سواحل اسکندریه، دمياط، عسقلان، عکا و صورناوگانهایی مستقر داشتند ولی سیادت آنها بر سواحل شام چندان به درازا نکشید و زمانی که صلیبیان بر آن غلبه یافتند، نفوذ فاطمیان از این سواحل برچیده شد. ۵

فاطمیان قبل از این که به مصر بیایند برای رفع نیاز نیروی دریای خود در شهرهای تونس و سپس مهدیه اقدام به تأسیس کارگاه کشتی‌سازی کردند که اکثر کارگران آن را قبطی‌ها تشکیل می‌دادند. این کارگاه‌ها هم برای ساختن کشتی جهت مقابله با رومیها و هم به منظور بسط نفوذ فاطمیان در سواحل جنوبی ایتالیا و حوزه دریای مدیترانه ایجاد شد. ۶

در خلیج قاهره نیز کشتی‌های فراوانی وجود داشت. ناصر خسرو در این باره می‌نویسد: «... و بیست و یک کشتی بود از آن سلطان که آبگیری نزدیک قصر سلطان ساخته بودند چندانکه دو سه میدانو آن کشتی‌ها هر یک را مقدار پنجاه گز طول و بیست گز عرض بود وهمه را به تکلف با زر و سیم جواهر و دیباها آراسته که اگر صفت آن کنند اوراق بسیار نوشته شود و بیشتر اوقات آن کشتی‌ها را در آن آبگیر چنانکه استر را در استرخانه، بسته بودند.» ۷

چوب مورد نیاز کشتی سازی از مصر یا خارج از آن تهیه می‌شد و نگهدارانی مسئول مراقبت از درختانی بودند که چوب آنها مورد استفاده ساخت کشتی بود. ۸ چوبی که از خارج می‌آمد بیشتر از لبنان و اروپای جنوبی تهیه می‌شد. ۹

گرانقیمت‌ترین چوب کشتی‌سازی به نام (لنج) معروف بود که فقط در (ANTINO) عمل می‌آمد که هر تخته آن پنجاه دینار معامله می‌شد. و نیز در قرن چهارم مسلمانان را از لحاظ چوب کشتی کمک می‌کرد تا این که امپراتور بیزانس مانع فروش آن به مسلمانان شد. با این فرمان چوب کشتی در مصر نایاب شد، به طوری که عیسی بن نسطوروس مجبور شد تیرهای سقف ضرابخانه و بیمارستان را برای ساخت یکی کشتی جنگی مورد استفاده قرار دهد. ۱۰

روابط فاطمیان و رومیان از سال ۴۷۰ هجق رو به تیرگی نهاد. رومیها حرکت‌هایی گسترده برای تصرف سرزمینهای اسلامی آغاز کردند. پس از این درگیریها بود که آل زنگی در شام ظهور کردند و نفوذ فاطمیان از شام برچیده شد. ۱۱

### روابط با سسیل

با تصرف مغرب توسط فاطمیان، حکومت اقلیبیان از سسیل بر چیده شد. در سال ۲۹۷ هجق حسن بن محمد بن ابوخنزیرکثامی از طرف عبیدالله المهدی، والی سسیل شد. فاطمیان مشتاق بودند سیادت خود را بر سسیل حفظ نمایند و آن را مرکزی برای ناوگان خود در مقابل رومیها قرار دهند. زمانی که المعز به مصر آمد برای سسیل والی جداگانه‌ای تعیین کرد. در پایان قرن پنجم هجری قمری نفوذ فاطمیان بر این جزیره رو به کاهش نهاد تا این که روجر نرماندی آن را تصرف کرد. ۱۲

موقعیت سسیل از نظر اقتصادی و نظامی بسیار مهم بود و دژی در مقابل امپراتوری بیزانس به شمار می‌رفت. امیران دست نشانده اقلیبیان در سسیل بر کنار شدن و جای آنان را فرماندهانی از سوی فاطمیان گرفتند. فاطمیان پیوسته با شورشهایی در سسیل مواجه بودند که بلافاصله آن را سرکوب می‌کردند. در سال ۳۳۵ هجق المنصور خلیفه فاطمی،

حسن بن علی کلبی را برای مقابله با یکی از این شورشها به سیسیل اعزام کرد و از همین تاریخ حکومت نیمه مستقل کلییان در سیسیل آغاز شد و بیش از ۹۰ سال طول کشید. ۱۳

### روابط با امویان اندلس

دولت امویان اندلس در سال ۱۳۸ هـ.ق توسط عبدالرحمن اموی در جنوب اسپانیا تأسیس شد. فاطمیان از نظر عقیدتی با امویان اندلس برخورد داشتند و شکل‌گیری آنها در شمال آفریقا تهدیدی برای امویان اندلس بود. شورشیان سواحل جنوبی اندلس برای مقابله با حکومت اموی به فاطمیان متمایل شدند. از طرفی داعیان اسماعیلی در اندلس فعالیت‌های گسترده‌ای را سازمان داده بودند. ۱۴ عمر بن حفصون شورشی اندلس با خلیفه فاطمی در تماس بود و امکان دست اندازی فاطمیان بر اندلس را بر ایشان فراهم ساخت. ۱۵ المعز فاطمی تمام شمال آفریقا را زیر سلطه خود داشت و او بود که سلطه امویان اندلس را از مغرب الاقصی برانداخت. در سال ۳۴۴ هـ.ق کشتی‌های المعز به غنیمت امویان درآمد. ۱۶ میان دولت اموی و فاطمی درگیری‌های لفظی نیز برقرار بود. آنها پیوسته یکدیگر را ناسزا می‌گفتند. ۱۷

### روابط فاطمیان با شام

روابط فاطمیان با شام به روابط آنها با عباسیان، حمدانیان، سلجوقیان شام و حتی صلیبیان مربوط می‌شود. در سرتاسر عصر فاطمی نزاع و درگیری بین فاطمیان و دشمنان ایشان در شام ادامه داشت. دامنه اقتدار فاطمیان گاه تا حلب و انطاکیه و گاه از نواحی جنوب فلسطین فراتر نمی‌رفت. سلطه فاطمیان بر شام بیشتر یک سلطه ظاهری بود و در تمامی دوره فاطمیان این منطقه در نزاع و کشمکش قرار داشته است. ۱۸ توجه فاطمیان به سرزمین شام پس از فتح مصر توسط جوهر صقلی آغاز شد. جوهر صقلی، جعفر بن فلاح کتامی را به سال ۳۵۹ هـ.ق به سوی شام فرستاد و این در حالی بود که اخشیدیان بر شام حکومت می‌کردند. با رسیدن جعفر بن فلاح به رمله شام، والیان شام

به اطاعت المعز فاطمی گردن نهادند. اهل دمشق نیز امان خواستند و به این ترتیب نام خلیفه عباسی در محرم سال ۳۶۰ ه‍.ق در دمشق از خطبه افتاد و نام المعز فاطمی جای آن را گرفت. از جمله دشواریهای که فاطمیان در سرزمین شام با آن روبرو شدند، سرباز زدن قرمطیان و افتکن ترک از فاطمیان بود. حسن بن احمد بن علی قرمطی بر ضد فاطمیان قیام کرد. وی پس از خارج کردن دمشق از دست فاطمیان روانه مصر شد و حتی عین شمس را نیز به تصرف در آورد سپس قصد قاهره کرد که از جوهر شکست خورد و به احساء گریخت و هزار نفر از سپاهیانش اسیر شدند. ۱۹

نفوذ فاطمیان در بلاد شام بیشتر وابسته به قدرت نظامی ایشان بود هنگامی که فاطمیان ضعیف می‌شدند، امیران محلی سر به شورش بر می‌داشتند مثل بنی جراح در فلسطین و بنی مرداس در حلب. حرکت‌های این دو قبیله باعث شد که سلجوقیان فرصت پیدا کنند و نفوذ فاطمی را از شام براندازند. ۲۰

### روابط فاطمیان با حمدانیان حلب

حمدانیان شیعیانی عرب تبار بودند. مؤسس این خاندان عبدالله ابوالهیجا پسر حمدان بن حمدون در سال ۲۹۳ ه‍.ق با حکم خلیفه عباسی به حکومت موصل منصوب شد و پسرش ناصرالدوله پس از ستیزی که با الرازی خلیفه عباسی داشت حکومت موصل و جزیره را به دست آورد. برادرش سیف الدوله به امارت حلب رسید و حمدانیان شاخه حلب را در ۳۳۳ ه‍.ق بنیان نهاد و جای اخشیدیان را گرفت. ۲۱

حمدانیان متمایل به فاطمیان بودند اما گاهی از اطاعت سر می‌پیچیدند. در سال ۴۴۱ ه‍.ق عزیزالدوله حاکم حلب از اطاعت الحاکم خارج شد. او به نام خود در حلب دینار و در هم ضرب کرد و نام خود را در خطبه آورد. در سال ۴۴۸ ه‍.ق در دوره المستنصر والی حلب نامه‌ای به او نوشت و حلب را تسلیم وی کرد، در عوض درخواست کرد مکانهایی را که دور از دسترس بنی کلب و فتنه ایشان باشد به او دهد. المستنصر پذیرفت و بیروت و عکا و جبیل را به وی داد. والی حلب به مصر آمد و از المستنصر کرامتی دید که دوستان و

پدرانش ندیده بودند. خلیفه برای او سیصد دینار در هر روز مقرری تعیین کرد و عطایای فراوان به او داد. ۲۲

در دوره المستنصر ترکها برای او مشکلاتی به وجود آوردند. وی مجبور شد برای پرداخت مقرری آنها به امیران حمدانی متوسل شود ناصرالدوله حمدانی برای سرکوبی ترکان به صعید مصر آمد و شر آنها را دفع کرد و در سال ۴۵۴ هـ.ق به وزارت رسید. ناصرالدوله مخفیانه نامه‌ای برای آلپ ارسلان فرستاد تا با سپاهیانش به مصر آید و به نام عباسیان دعوت آغاز کند. المستنصر متوجه شد و سپاهی را بر ضد ناصرالدوله تجهیز کرد ولی توفیقی نیافت تا این که بار دیگر ترکان شورش کردند و قصر خلیفه را با کتابهای نفیس آن آتش زدند. ناصرالدوله کشته شد و ترکی به نام ایلدگز را جانشین او کردند، گروهی از مردم به شام و عراق گریختند و المستنصر مجبور شد نفایس قصر را به فروش رساند. ۲۳

### روابط فاطمیان با عباسیان و حکومت‌های دست‌نشانده آنها

نفوذ چهار دولت شیعه، مذهب فاطمیان در شمال آفریقا، آل بویه، در عراق و ایران، آل حمدان، در شام و زیدیان در یمن باعث آشوب و اغتشاش در سرزمینهای تحت نفوذ عباسیان شد. فاطمیان بنی عباس را غاصب خلافت می‌دانستند و برای سرنگونی دولت آنها داعیان خود را تا دورترین نقاط فرستادند. ۲۴

عباسیان به سبب کینه و دشمنی با فاطمیان از عنوان قرمطی به عنوان یک وجهه سیاسی برای از بین بردن مذهب تشیع سود جستند. زمانی که مصر به دست فاطمیان افتاد و به دنبال آن حجاز و یمن نیز از سلطه عباسیان خارج شد، خلیفگان عباسی به جهت تضعیف فاطمیان شروع به نفی نسب فاطمیان کردند. در سال ۴۴۴ هـ.ق سندی مبنی بر بی اعتبار کردن نسب فاطمیان توسط عده‌ای از فقها و علما ترتیب داده شد و آنها را به دیصانیه از مجوس و قداحیه از یهودیان منسوب کردند و در موارد دیگر مدعی شدند که نسبت پیامبر (ص) از طریق عباس عموی پیامبر (ص) نزدیکتر است تا از جانب علی بن



ابیطالب لذا فاطمیان سعی کردند نسب خود را به فاطمه زهرا (س) برسانند تا از این جهت بر عباسیان پیشی گیرند. ۲۵

در سال ۴۵۰ هـ.ق در دوره خلافت القائم بامرالله عباسی بغداد به تصرف بساسیری درآمد و بر منابر خطبه به نام خلیفه فاطمی مصر خوانده شد. ولی پس از یک سال طغرل بیک او را از بغداد راند. ۲۶

اغلبیان از حکومت‌های نیمه مستقل دست نشانده عباسیان بودند و هنگامی که توسط فاطمیان سرنگون شدند، مناطق تحت نفوذ آنها نیز به دست فاطمیان افتاد. اخشیدیان نیز از حکومت‌هایی بودند که توسط عباسیان حمایت می‌شدند. آنها قبل از تصرف مصر توسط فاطمیان بر مصر حکومت می‌کردند. اهمیت اخشیدیان برای حکومت عباسی به ویژه پس از فروپاشی اغلبیان بسیار زیاد بود زیرا عباسیان از هر طرف مورد هجوم بودند در نتیجه نیاز به یک حکومت قوی در مصر بود که امنیت و مصالح حکومت عباسی را در نظر داشته باشد. ۲۷

همزمان در نواحی جنوب مصر یعنی نوبه اوضاع بسامان نبود و مسایلی برای اخشیدیان ایجاد کرده بود. تشویق فاطمیان به این آشوبها و حمله نوبیان به مصر نیز مؤثر بود. از طرف دیگر رومیان بر تهاجم‌های خود افزود و مردم نواحی مرزی مصر را تحت فشار قرار دادند. ۲۸ فاطمیان از طرف شام نیز قرمطیان را مأمور حمله به مصر کردند، آنها به پیشنهاد فاطمیان با یکدیگر متحد شدند و عرصه را بر اخشیدیان تنگ کردند. ۲۹ اوضاع داخلی حکومت اخشیدی نیز نابسامان بود زیرا مدتی بود که حقوق سربازان به تأخیر افتاده بود و این باعث شد که به خانه جعفر بن فرات حمله بردند در نتیجه او از المعز تقاضا کرد که سپاهی به مصر گسیل دارد و این عامل اصلی حمله فاطمیان به مصر بود. در همین زمان مردم نواحی مختلف مصر و شام با فاطمیان بیعت کردند و دسته‌ای از بزرگان مصر بالمعز به مکتبه پرداختند تا او سردار خود جوهر را به سال ۳۵۸ هـ.ق برای فتح مصر اعزام کرد. ۳۰ کافور اخشیدی در مقابل داعیان فاطمی اظهار اطاعت کرده بود ولی پس از مرگ او بود که زمینه برای فتح مصر مهیا شد. با تسلط فاطمیان بر مصر ممالک اسلامی دو بخش شد،

بخش شرقی تحت حکومت عباسی و بخش غربی زیر سلطه فاطمیان قرار گرفت. ۳۱  
 اخشیدیان پس از ۳۴ سال حکومت بر مصر و با آمدن فاطمیان به مصر منقرض شدند. ۳۲

### روابط فاطمیان با آل بویه

آل بویه با روحیه توسعه طلبی خود، پیوسته به همسایگان در نزاع بودند، آنها رقیب فاطمیان مصر بودند و هرگز ادعای خلیفه‌های فاطمی را مبنی بر این که فرزندان فاطمه زهرا (س) هستند، نپذیرفتند. تنها زمانی رابطه آنها با فاطمیان حسنه می‌شد که خطر رومیها افزایش می‌یافت. فاطمیان قصد سرنگونی حکومت عباسی را داشتند در حالی که آل بویه برای حفظ موقعیت خود مجبور به نگهداری خلافت تشریفاتی عباسی بودند. خاندان بویه بر مناطق مرکزی جهان اسلام سلطه داشتند. ۳۳

مرز غربی دولت آل بویه که بیشترین توسعه آن در دوره عضدالدوله بود، قلمرو فاطمیان را تشکیل می‌داد. آنها برای اعمال سلطه خود بر مصر و بین‌النهرین با فاطمیان در رقابت بودند. در این رقابتها گاهی قرمطیان به کمک فاطمیان می‌آمدند. حضور قرمطیان در یمن، بحرین و عمان پیوسته از جانب آل بویه مورد تهدید قرار می‌گرفت. معزالدوله دیملی برای مدتی آنها را از عمان راند. ۳۴ فاطمیان و آل بویه در مقابله با روم شرقی همداستان بودند. تبادل سیاسی سال ۳۶۹ هـ.ق میان العزیز و عضدالدوله، بهترین گواه بر این همکاری است که در سندی به عنوان (تذکره) محفوظ مانده است. بر اساس این تذکره اصل و نسب فاطمیان ۳۵ به رسمیت شناخته شده است و العزیز سعی کرد که همکاری عضدالدوله را برای جهاد با روم شرقی جلب نماید. ۳۶

عضدالدوله حتی در قلمرو فاطمیان جاسوسانی به کار گمارد. در مورد دیدار یکی از جاسوسانش از قاهره آمده است که قنادی از اهالی قاهره از قبول در هم تاجی که عضدالدوله ضرب کرده بود. خودداری کرد و او و اربابش را ناسزا گفت. این واقعه به گوش عضدالدوله رسید. وی قناد را با تدبیری زیرکانه به بغداد آورد و او را توییح کرد، سپس مشمول عضو قرار داد تا خبر قدرت و رأفت عضدالدوله را انتشار دهد. ۳۷

### روابط خارجی با بنی حماد و بنی زیری

زیریان یا بنی زیری از بربرهای صنهاجه ۳۸ بودند و در قسمت مرکزی مغرب می‌زیستند. آنها در آغاز خود را با جنبش فاطمیان منطبق ساختند و هنگامیکه پایتخت فاطمیان در سال ۳۳۴ هـ.ق در محاصره ابویزید خارجی قرار گرفته بود با نیروی نظامی خود آن را از محاصره نجات دادند. هنگامی که المعز فاطمی به جانب مصر رفت. بلکین بن زیری را به حکومت افریقیه گماشت ولی این سرزمین بزرگتر از آن بود که فردی به تنهایی بتواند بر آن حکومت کند. لذا در زمان نواده بلکین، بادیس این سرزمین تقسیم شد. نواحی غربی به بنی حماد که از شاخه‌های همین خاندان است تعلق گرفت. بنی حماد قلعه بنی حماد را پایتخت خود قرار دادند ولی افریقیه در دست شاخه اصلی زیریان که پایتخت آنها قیروان بود باقی ماند. ۳۹

المعز بلکین را به ابوالفتح و سیف الدوله ملقب کرده نام او را از بلکین به یوسف تغییر داد و او را به سه امر وصیت کرد. ۱- شمشیر از بربرها بر ندارد. ۲- خراج بر بادیه نشینان نبخشد. ۳- هیچیک از خاندان خود را حکومت ندهد و او را مأمور پایان دادن به نفوذ امویان اندلس در مغرب کرد. ۴۰

چون المعز فاطمی از دنیا رفت، بلکین ادعای استقلال از فاطمیان کرد. العزیز لشکری از بربرها بر سر او فرستاد. در همین سال ۳۶۷ هـ.ق بلکین از العزیز خواست که طرابلس، سرت و اجدابیه را به قلمرو خود بیفزاید، خلیفه پذیرفت و منشور حکومت به وی داد و بنی زیری از استقلال صرف نظر کردند. ۴۱

خلیفه الحاکم نیز سیاستی همچون پدرش در مقابل امیر زیری در پیش گرفت. در زمان او بادیس امیر زیریان ادعای استقلال کرد و سپاه فاطمی را شکست داد. لذا الحاکم قبیله زناته را بر ضد او تحریک کرد و به این ترتیب بادیس وادار به تسلیم شد. در دوره المعز بن بادیس، مغربیان توسط او متمایل به مذهب مالک بن انس شدند و از شیعه دوری جستند. الحاکم نیز عکس العمل نشان نداد. در دوره الظاهر نیز همان روش الحاکم دنبال

شد و هدیه‌هایی برای استمرار اطاعت بنی زبیری برایشان ارسال می‌شد. تا این که در دوره المستنصر فاطمی از اطاعت خلیفه خارج شدند. ۴۲

بنی حماد نیز گاهی از اطاعت فاطمیان سرباز زدند. حماد بن بلکین به قصد استقلال از فاطمیان قیام کرد و در سال ۴۰۸ ه.ق از آنها کناره جست و خطبه به نام خلیفه عباسی خواند. ۴۳

قاعد فرزند حماد نیز کار پدر را دنبال کرد ولی با آمدن اعراب به افریقیه و پیروزی آنها بر معز بن بادیس به تأیید فاطمیان پرداخت و لقب شرف الدوله گرفت. ۴۴

در دوره یحیی بن عزیز در اواخر دوره بنی حماد آنها مذهب مالکی را علنی نمودند و از اطاعت فاطمیان خارج شدند و حتی نام خلیفه المقتفی عباسی را سکه زدند. در همین زمان میان بنی زبیری و بنی حماد نیز اختلافاتی بروز کرد و معز بن بادیس مدت دو سال قلعه بنی حماد را در محاصره داشت و پس از دریافت هدیه‌های بنی حماد بین آنها صلح برقرار شد. ۴۵

ثروت و منابع فراوان افریقیه باعث شد شرف الدوله معز زبیری سر از فرمان خلیفه فاطمی بپیچد و در سال ۴۴۳ ه.ق خود را تابع خلیفه عباسی بداند. دعوت عباسی در مغرب پیوسته ادامه داشت تا این که محمد بن تومرث قیام کرد و حکومت بنی زبیری منتقض شد. ۴۶

در واقع معز زبیری از سال ۴۴۰ ه.ق از اطاعت خارج شده بود و حتی سکه و طراز را به نام خلیفه عباسی القائم تغییر داد ولی به سبب آمدن قبائل بنی هلال به مصر و حمایت المستنصر فاطمی از آنها و خروج قیروان از دست بنی زبیری مدتی در این امر وقفه ایجاد شد ولی از سال ۴۴۳ ه.ق بنی زبیری استقلال خود را اعلام کردند. ۴۷

### روابط فاطمیان با سلجوقیان

زمانی که سلجوقیان سنی مذهب در بلاد خراسان به قدرت رسیدند و نفوذ خود را تا بغداد گسترش دادند، سلسله آل بویه به سال ۴۴۸ هـ.ق برچیده شد. همزمان بساسیری از غلامان ترک بهاءالدوله دیلمی قیام کرد. ابوالحارث ارسلان بساسیری مدتی در دستگاه خلافت عباسی دارای مقام بود و توانست از درگیری طغرل بیک با برادرش ابراهیم ینال سودجسته و برخلیفه وقت خروج کند. وی در سال ۴۵۰ هـ.ق پرچمهای سفیدی برافراشت که روی آنها القاب المستنصر نوشته شده بود. مردم واسطه، کوفه و دیگر شهرهای بزرگ عراق با او همیاری نمودند. او بغداد را به تصرف درآورد و خلیفه را به بند کشید سپس قضات و بزرگان را جمع کرد و برای المستنصر بیعت گرفت. بساسیری برای مدت یک سال بغداد را در تصرف خود داشت تا این که طغرل سلجوقی به بغداد لشکر کشید و بساسیری به کوفه گریخت. در بغداد دوباره خطبه به نام عباسیان اقامه شد. طغرل در جنگ با بساسیری او را به قتل رساند و سرش را به بغداد فرستاد. ۴۸

آلپ ارسلان نیز تلاش خود را صرف رهایی دیار شام از تسلط فاطمیان نمود و در سال ۴۶۲ هـ.ق مملکت شام به سرزمین‌های عباسی پیوست. او از طرفی ابی عبدالله الجلاب از داعیان اسماعیلی را به قتل رساند. ۴۹

در دوره وزارت خواجه نظام الملک دولت سلجوقی تلاش فراوانی برای بسط نفوذ خلافت عباسی و مذهب اهل سنت به انجام رساند. مدارس متعددی که تحت عنوان نظامیه‌ها دایر شد نقش عمده‌ای در زدودن عقاید اسماعیلی داشتند. این مدارس در پایان دوره فاطمی در مصر و اسکندریه نیز دایر شد برای مثال ابوالحسن علی بن سلار وزیر الظافر در سال ۵۴۴ هـ.ق مدرسه‌ای بنا کرد و ریاست آن را حافظ سلفی داد و همچنین مدرسه‌ای خاص فقه شافعی در اسکندریه تأسیس نمود. مدرسه عوفیه در سال ۵۳۲ هـ.ق به سرپرستی فقیه مالکی ابن طاهر عوف دایر شد. هدف تأسیس این مدارس متوقف کردن حرکت مذهبی شیعه و دعوت به سوی اهل سنت بود. ۵۰

در سال ۴۳۶ هـ.ق سلطان ماوراء النهر بغراخان حکم تازه‌ای در خصوص اسماعیلیان صادر کرد که هر یک از داعیان ایشان یا به ماوراءالنهر نهد به قتل خواهد رسید. لذا تعداد زیادی از داعیان را کشتار کرد. در سایر سرزمین‌ها نیز به تاسی از بغراخان این عمل صورت گرفت. در سال ۵۰۰ هـ.ق سلطان محمد بن ملک‌شاه کشتاری عظیم از اسماعیلیان انجام داد و آنها را از قلعه اصفهان براند و امیر قلعه ابن غطاش را نیز به قتل رساند. در سال ۵۲۳ هـ.ق اسماعیلیان تلاش کردند دمشق را به صلیبیان دهند و در مقابل شهر صور را از آنها بگیرند. امیر دمشق بوری بن طغتنکین مطلع شد و دستور قتل اسماعیلیان را صادر نمود، به طوری که حدود شش هزار نفر از آنها را در ماه رمضان به قتل رساندند. ۵۱

صلیبیان نیز از درگیری فاطمیان با سلجوقیان اطلاع داشتند و از این فرصت استفاده نمودند و پیشنهاد بدرالجمالی را مبنی بر این که بیت‌المقدس در تصرف آنها باشد ولی انطاکیه را به مسلمانان دهند، نپذیرفتند و سرانجام پس از فتح معره النعمان بیت‌المقدس را نیز تصرف کردند. آلپ ارسلان پادشاه سلجوقی خراسان از سال ۴۶۲ هـ.ق به دنبال این بود که نفوذ فاطمیان را از شام براندازد بنابراین از محمودبن صالح بن مرداس امیر حلب خواست که به نام خلیفه عباسی دعوت آغاز کند و نام خلیفه فاطمی را از خطبه بیندازد و محمود بن صالح پذیرفت. در سال ۴۶۵ هـ.ق اتسز ترکمن بلاد شام را تصرف کرده رمله و بیت‌المقدس را گرفت و رو به دمشق نهاد. به این ترتیب تسلط فاطمیان از شام برچیده شد و نام خلیفه عباسی المقتدی بالله در خطبه خوانده شد. ۵۲

### روابط فاطمیان با حجاز

فاطمیان پس از فتح مصر تلاش کردند نفوذ خود را در حجاز گسترش دهند. آنها در اختیار داشتن مکه و مدینه را موجب افتخار و سیادت خود می‌دانستند. در سال ۳۴۸ هـ.ق فاطمیان اموال و هدایایی برای بزرگان مکه فرستادند و سعی کردند روابط بین بنی‌الحسن و بنی‌جعفر الصادق را بهبود بخشند. حسن بن جعفر متولی مکه خطبه به نام المعز خواند

و در مدینه نیز نام خلیفه عباسی را از خطبه حذف کردند و به نام خلیفه فاطمی خطبه خوانده شد. ۵۳

زمانی که الحاکم به خلافت رسید، ابوالفتح در حجاز خروج کرد ولی در سال ۴۰۳ هـ.ق دوباره برای الحاکم اقامه دعوت کرد و اسم خود و الحاکم را بر سکه ضرب کرد. با مرگ ابوالفتح که فرزندی نداشت نفوذ بنی سلیمان از مکه برچیده شد و محمد بن جعفر ابن ابی هاشم به جای او نشست و خطبه به نام المستنصر فاطمی خواند. ۵۴ فاطمیان از وجود صلیحیان در یمن برای بسط نفوذ خود بر حجاز کمک گرفتند. المستنصر از علی بن محمد صلیحی خواست به مکه رود و مردم شهر را با مال فراوان دلجویی نماید. ۵۵

در دوره المستنصر به دلیل قحطی در مصر، اموالی که برای محمد بن جعفر امیر مکه فرستاده می‌شد، قطع گردید. او نیز بر مردم مکه سخت گرفت و نام المستنصر را از خطبه انداخت و به نام القائم عباسی خطبه خواند. در سال ۴۶۷ هـ.ق با مرگ القائم کمک‌های عباسیان نیز به امیران مکه قطع شد و دوباره به نام المستنصر خطبه خوانده شد. روی هم‌رفته امیران حجاز بیشتر به فاطمیان متمایل بودند و خلیفه‌های فاطمی نیز توجه خاصی به وضع معیشت و امنیت حرمین داشتند. ۵۶

خلیفه‌های فاطمی از مزایای تجاری سرزمین مصر نیز بسیار بهره بردند. آنها ناوگانی داشتند که به آسیا و شرق اقصی برای تجارت رفت و آمد می‌کرد و به این طریق صاحب یک تجارت جهانی به ویژه با هند شدند. ناصر خسرو عنوان می‌کند که تنها در ساحل تنیس از هزارکشتی که وجود داشت بیشتر آن متعلق به خلیفه بود. ۵۷

عیذاب در آخر قرن پنجم به اوج شکوفایی رسید و از همه جا کشتی‌هایی به آنجا رفت و آمد می‌کرد و حتی معلوم نیست به چه دلیل تجارت شمال آفریقه به مشرق از آنجا می‌گذشت. حاجیان مصر بین سالهای ۴۵۰ تا ۶۶۰ هـ.ق از راه عیذاب می‌رفتند و هر حاجی باید هشت دینار عوارض می‌داد. ۵۸ از بازرگانان ذمی در قسطنطنیه عیذاب، اخمیم و اسکندریه عوارض اخذ می‌شد. ۵۹ مالیاتی که بدین ترتیب از کافران اخذ می‌شد برابر یک

دهم قیمت کالاهایشان بود که گاهی به یک بیستم کاهش می‌یافت و یا تا یک پنجم افزایش می‌یافت. ۶۰

تاجران که کالاهای مورد نیاز صنایع کشتی سازی را وارد می‌کردند مثل چوب مالیات کمتری می‌دادند و گاه به همان میزانی که در بندرهای کشورشان از تاجران مسلمان اخذ می‌شد باید عوارض می‌پرداختند مقرری فرماندهان ناوگان هر ماه بیست دینار بود و خرج نیروی دریایی از درآمد مستغلات وقف شده، پرداخت می‌شد. ۶۱

### روابط فاطمیان با صلیحیان

سلسله صلیحی در یمن را داعی علی بن محمد صلیحی تأسیس کرد. او پیوسته با مرکز دعوت اسماعیلیه در قاهره در تماس بود. صلیحی در کوهستان مسار خروج کرد و دولت صلیحی را بنا نهاد. صلیحیان ریاست دعوت اسماعیلی در یمن را بر عهده داشتند و در حدود یک قرن تا ۵۳۲ هـ.ق بر بخشهایی از سرزمین یمن به نیابت از فاطمیان حکومت کردند. ۶۲ دعوت آنها نخست شکل سری داشت تا این که فاطمیان به مصر آمدند. ۶۳ دلیل توفیق علی بن محمد صلیحی در یمن این بود که از جانب المستنصر فاطمی پیوسته حمایت می‌شد. او در سال ۴۵۵ هـ.ق سلطه خود را بر بلاد یمن توسعه داد و صنعا را مقر خود ساخت. در واقع پس از مرگ ابن حوشب داعی بزرگ اسماعیلی بود که در یمن به نام المستنصر، صلیحی و همسرش اسماء بنت تهاب خطبه خوانده شد و به این ترتیب نوذ عباسیان از بلاد یمن برچیده شد. خلیفه فاطمی نیز اطمینان کامل به صلیحی داشت و این مطلب از نامه‌هایی که میان او و صلیحی رد و بدل شده است، آشکار می‌باشد. ۶۴ در دوره المستعلی، همسر صلیحی معروف به حره (بانوبنت تهاب) به نفع خلیفه دعوت می‌کرد و پس از مرگ الامر فاطمی به طیب فرزند او دعوت آغاز نمود. از این زمان صلیحیان به دو شاخه طیبی و حافظی تقسیم شدند و با مرگ با نوحه اوضاع یمن آشفتگی شد. از طرفی خلافت فاطمی نیز رو به ضعف نهاد تا این که به دست صلاح الدین منقرض شد. ۶۵



### روابط فاطمیان با عمان

عمان قبل از این که به تصرف قرمطیان درآید در دست بنی عباس بود و به نام بنی عباس خطبه خوانده می‌شد. در سال ۳۰۵ هجری گروهی از مردم به قرمطیان پیوستند و در سال ۳۱۷ هجری ابوطاهر قرمطی بر عمان غلبه کرد و در آنجا خطبه به نام عبیدالله المهدی خوانده شد. والیان عمان از طرف قرمطیان برحین ۶۶ انتخاب می‌شدند. تسلط قرمطیان بر عمان توسط آل بومیه برچیده شد و خاندان بنی مکرّم با کمک آنها در عمان به قدرت رسیدند. پس از بنومکرّم مدتی خوارج بر آنجا حکومت کردند تا این که دولت فاطمی در سال ۴۶۹ هجری از پریشانی اوضاع عمان سود برد و المستنصر با فرستادن مکرّم احمد که حکومت یمن را در دست داشت، عمان را به تصرف درآورد. از این زمان بود که داعیان فاطمی به عمان و از آنجا به هند گسیل شدند تا دعوت فاطمی را گسترش دهند. در نتیجه فعالیت این داعیان گروه زیادی در عمان، هند و سایر نقاط به مذهب اسماعیلی درآمدند.

۶۷

### روابط فاطمیان با ادریسیان

ادریسیان سلسله‌ای شیعی مذهب و منسوب هب ادریس بن عبدالله، نواده حسن بن علی (ع) می‌باشند که از سال ۱۷۲ تا ۳۷۵ هجری در مغرب الاقصی حکومت کردند. ۶۸ در روزگار یحیی بن ادریس، فاطمیان به تدریج نیرو گرفتند و پس از تصرف اسکندریه به عنوان خطرناکترین دشمن ادریسیان مطرح شدند. در سال ۳۰۸ هجری عبیدالله، مظالم بن حبوس از بزرگان مکناسه را بر ضد یحیی تحریک کرد. یحیی شکست خورد و به فاس رفت و از عبیدالله اطاعت کرد. عبیدالله به پاس خدمت‌های موسی بن ابی العافیه المکناسی به هنگام تسلط فاطمیان بر مغرب، انجام داد و موجبات فروپاشی ادریسیان را فراهم نمود، نواحی مغرب الاقصی و سپس شهر فاس را به او سپرد. ۶۹

ادریسیان هر وقت فرصتی می‌یافتند از فاطمیان دوری می‌کردند. سرزمین آنها پیوسته مورد منازعه فاطمیان و امویان اندلس بود. آنها با گسترش دعوت خود گرچه

وحدتی سیاسی میان قبایل بربر پدید آوردند ولی با نفوذ امویان اندلس و فاطمیان چندان دوامی نیافتند. ۷۰

### رابطه فاطمیان با قرمطیان

برخی تاریخ‌نویسان معتقدند، از آنجا که حمدان بن اشعث هنگام راه رفتن پاهای خود را نزدیک هم قرار می‌داد به قرمط شهرت یافت و نیز گفته‌اند، چون حمدان سرخ رو بود او را به قرمذ یعنی آجر سرخ‌رنگ تشبیه کرده‌اند و یا این که قرمط مشتق از لفظ یونانی (kermona) یا مأخوذ از قرمط یعنی خشمناک می‌باشند. ۷۱

با این که خلیفه‌های فاطمی رابطه خود را با قرمطیان بنا بر مقتضیاتی انکار می‌کردند ولی قرمطیان قدرت خلیفه‌های فاطمی را در امور مذهبی و غیرمذهبی به رسمیت می‌شناختند. دخویه در کتاب قرمطیان بحرین و فاطمیان ثابت کرده است که این دو با هم رابطه نزدیکی داشته‌اند و عبیدالله فاطمی پس از عزیمت به سلمیه ترجیح داد خود را از نسب علویان بداند و المهدی بخواند. ۷۲

یکی از مسائلی که ارتباط فاطمیان و قرمطیان را بهتر آشکار می‌سازد، حادثه بر کندن حجرالاسود توسط ابوطاهر قرمطی به سال ۳۱۷ هـ.ق می‌باشد. عبیدالله به او نوشت: «با این کار که تو کردی بر شیعه و دعاه دولت ما اسم کفر و الحاد تحقق یافت» و او بر اینکار سرزنش کرد. ۷۳ پس از بیست و دو سال یعنی در سال ۳۳۹ هـ.ق در دوره القائم فاطمی بود که حجرالاسود باز گردانده شد. ۷۴

هنگامی که عبیدالله فاطمی و جانشینان او به مصر حمله می‌کردند. قرمطیان به رهبری ابوطاهر جنابی به جنوب عراق حمله ور می‌شدند و با غارت شهرهای بصره و کوفه، امنیت بغداد را به خطر می‌انداختند و به این ترتیب سپاه عباسی را به خود مشغول می‌کردند. ۷۵

هنگام فتح مصر، اخشیدیان از دادن باج به قرمطیان سرباز زدند و اطاعت فاطمیان را پذیرفتند و به این ترتیب قرمطیان حمله به دولت فاطمی مصر را تدارک دیدند. رهبر

قرمطیان بالای منبر چنین گفت: «المعز و پدران‌ش از اخلاف قداحند. آنان دروغگو، نیرنگ باز و دشمن اسلامند، ما آنان را بهتر از هر کسی می‌شناسیم، چون قداح سر دودمان آنان از بین ما برخاسته است». ۷۶

در دوره‌ی عزیز قرمطیان، مطیع فاطمیان بودند و حتی پیش از آن در سالهای آخر دوره‌ی المعز به خلیفه خراج می‌دادند. ابن حوقل می‌نویسد: «قرمطیان همه ساله مالیات برای امام فاطمی می‌فرستادند» ۷۷ قرمطیان به نام خلیفه فاطمی و علنی خطبه می‌خواندند و به نشانه تبعیت از او در تشریفات خود لباس سفید می‌پوشیدند و پرچم سفیدحمل می‌کردند.

۷۸

بیهقی ارتباط قرمطیان و فاطمیان را تأیید کرده می‌نویسد: «حجت بزرگتر که مرد قرمطی است و خلعت مصریان است تا امیرالمؤمنین را بیازارد ... وی را باید بردار کرد.»

۷۹

### رابطه فاطمیان دروزیه ۸۰

اولین داعی اسماعیلی که به سال ۴۰۸ هـ.ق نهضتی را به قصد اعلام الوهیت الحاکم فاطمی سازمان داد، حسین بن حیدره اخرم بود. دعوت رسمی فاطمیان با این جنبش جدید که پیروان روزافزونی در میان اسماعیلیان مصر پیدا کرد، قاطعانه به مخالفت برخاست و اخرم که قصد داشت با فرستادن نامه‌ای به امیران برجسته آنان را به دعوت خود فرا خواند در رمضان ۴۰۸ هـ.ق کشته شد. ۸۱ در محرم سال ۴۱۰ هـ.ق حمزه بن علی بن احمد زورزنی ایرانی نژاد که از یاران اخرم بودکار او را دنبال کرد. ۸۲ حمزه باریبی به نام محمد بن اسماعیل درزی یا انوشتکین درزی از ترکهای بخارا مواجه شد که در انتساب به نام او، این نهضت جدید به نام درزیه خوانده شد. ۸۳

رکن اساسی مذهب آنان اعتقاد به مهدی و رجعت او می‌باشد. آنها معتقدند مهدی همان الحاکم است و صفات او را دلیلی بر این اعتقاد دانسته‌اند. گروهی نیز در سال ۴۰۸ هـ.ق عقیده توحید الحاکم را با اعلامیه الحاکم علنی کردند. ۸۴

فاطمیان برای مقابله با عقاید دروزاز حمید الدین کرمانی کمک گرفتند. او کتاب (مباسم البشاره بالامام الحاکم بامرالله) را بر رد دروز نوشت و به تبیین مسأله امامت پرداخت. همچنین (الرساله الواعظه) را در پاسخ به رساله اخرم و ادعای او هیت الحاکم مطرح کرد. باید توجه داشت که الظاهر جانشین الحاکم اعتقاد به اصول عقاید اسماعیلی متعادل داشته است به این معنی که الوهیت الحاکم مورد پذیرش همه فاطمیان قرار نگرفته است. ۸۵

دروز در آغاز کار در مناطق گسترده‌ای از شام مسکن گزیدند. بخشی در تنوخ و گروهی در سلسله جبال سماق که هنوز گروه‌های اندکی از آنها در آنجا ساکنند، اقامت نمودند و امروزه در منطقه‌ای به نام سویدا و جبل‌الدروز و بخش جنوبی لبنان زندگی می‌کنند. ۸۶

### یادداشت‌ها

- ۱- ابن تغری بردی: النجوم الزاهره، ۴/۱۵۵، سرور: سیاسه الفاطمیین الخارجیه، ۲۴۳.
- ۲- الانطاکی: تاریخ الانطاکی، ص ۱-۲۷۰، سرور: سیاسه الفاطمیین الخارجیه، ص ۲۴۴، ابراهیم حسن: تاریخ الاسلام السیاسی، ۳/۲۴۶.
- ۳- ابراهیم حسن: تاریخ الدوله الفاطمیه، ص ۲۵۹، ابراهیم حسن: تاریخ الاسلام السیاسی، ۳/۲۴۷.
- ۴- سرور: سیاسه الفاطمیین الخارجیه، ص ۲۴۵، ابراهیم حسن: تاریخ الاسلام السیاسی، ۳/۲۴۷، رک: النجوم الزاهره، ابن تغری بردی، ۵/۱۸.
- ۵- ماجد: نظم الفاطمیین، ۱/۲۱۹، قلقشندی، صبح الاعشی، ۳/۵۱۹، الدشراوی: الخلافه الفاطمیه بالامغرب، ص ۵۶۶، BRILL.E.J.THE EMPIRE OF THE MAHDI. P 106.
- ۶- الدشراوی: الخلافه الفاطمیه بالامغرب، ص ۵۶۶.
- ۷- ناصر خسرو: سفرنامه، ص ۸۷.
- ۸- ماجد: نظم الفاطمیین، ۱/۲۲۱.
- ۹- الاسماعیلیه بین الحقائق و الاباطیل، ص ۳۶۸.
- ۱۰- متز، آدم: تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ص ۲۳۹.
- ۱۱- محمدی: نقش فرهنگ و تمدن اسلامی در بیداری غرب، ۱۴۳ و ۱۴۹، ابن رسته: اعلاق النفیسه، ص ۹۶، احمد، عزیز: تاریخ سیسیل در دوره اسلامی، ۴۵ و ۴۲، الدشراوی: الخلافه الفاطمیه بالامغرب، ص ۵۶۴.
- ۱۲- ابن میسر: تاریخ ابن میسر، ص ۶۴، الوردانی: الشیعه فی مصر، ص ۳۷، النجوم الزاهره، ۵/۱۷۸.
- ۱۳- ابن تغری بردی: النجوم الزاهره، ۴/۷۶، الدشراوی: الخلافه الفاطمیه بالامغرب، ص ۵۶۴، احمد عزیز: تاریخ سیسیل در دوره اسلامی، ص ۴۳-۴۵.

- ۱۴- عنان: تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ۴/۴۲۴، آل علی، نورالدین: اسلام در غرب، ص ۹۲-۱۸۱، ر ک: النجوم الزاهره، ابن تغری بردی، ۴/۲۶۸.
- ۱۵- تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ۱/۴۲۴، آیتی، محمد ابراهیم، اندلس، ص ۸۴، ر ک: العبر، ابن خلدون، ۴/۱۳۴.
- ۱۶- ابن اثیر: الکامل فی التاریخ، ۵/۳۰۷، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ۱/۴۸۷.
- ۱۷- ابراهیم حسن: تاریخ الدوله الفاطمیه فی المغرب و مصر ...، ص ۲۴۹، ابن خلدون: العبر ۴/۱۵۵.
- ۱۸- سرور: سیاسه الفاطمیین الخارجیه، ص ۱۱۸، ابن تغری بردی: النجوم الزاهره، ۴/۳۴.
- ۱۹- ابن تغری بردی: النجوم الزاهره، ۴/۷۷، ۴/۶۶.
- ۲۰- سرور: سیاسه الفاطمیین الخارجیه، ص ۱۵۲.
- ۲۱- کرمر: احیای فرهنگگی در عهد آل بویه، ص ۱۳۸، ابن خلدون: العبر، ۴/۲۳۰.
- ۲۲- ابن العدیم: زبده الحلب من تاریخ الحلب، ۱۲۴، آربری و ... تایخ کمبریج ص ۲۶۸.
- ۲۳- ابن تغری بردی: النجوم الزاهره، ۵/۱۶، ابن میسر: تاریخ ابن میسر، ۳۶، ۳۱، مدیر شانه چی: کتاب و کتابخانه در اسلام، ص ۷۹.
- ۲۴- تامر: القرامطه، ص ۹۹.
- ۲۵- ابن اثیر: الکامل فی التاریخ، ۶/۱۷۵، ابن میسر: تاریخ ابن میسر، ص ۱۳، ابن کثیر: البدایه و النهایه، ۱۱/۳۶۹- محمود العقاد: فاطمه الزهرا و الفاطمیین، ۸۲، الذهبی: تاریخ الاسلام و وفيات المشاهیر و الاعلام ذیل حوادث ۳۲۱ الی ۳۳۰، ص ۲۲، الحمادی: کشف الاسرار الباطنیه و اخبار القرامطه، ص ۲۰۰، مقریزی، خطط، ۱/۱۸۰، ابن تغری بردی: النجوم الزاهره، ۴/۷۹.
- ۲۶- ابن اثیر: الکامل فی التاریخ، ۹/۶۴۴، مقریزی: خطط ۲/۱۹۳، ابن میسر: تاریخ ابن میسر، ص ۲۰، سیوطی: تاریخ الخلفاء، ص ۳۳۴، ابن خلدون، العبر، ۴/۶۲.
- ۲۷- الشریف: العالم الاسلامی فی العصر اللعاسی، ص ۴۳۶.
- ۲۸- ذهبی: العبر فی خبر من غبر، ص ۳۱۰.

- ۲۹- زیود: العلاقات بین المصر و الشام فی عهدین، ص ۳۳۶، دخویه: قرمطیان بحرین و فاطمیان، ص ۱۰۷.
- ۳۰- ابن تغری بردی: النجوم الزاهره، ۴/۲۳، ابن کثیر: البدایه و النهایه، ۶/۲۶۶، ابن اثیر: الكامل فی التاریخ، ۱۴/۳۰۳، ابن بطریق: المجموع، ص ۱۳۳.
- ۳۱- الشریف: العالم الاسلامی فی المعصر العباسی، ص ۳۴۴.
- ۳۲- النجوم الزاهره، ۴/۲۴، ابن خلدون: العبر: ۴/۴۸.
- ۳۳- کرمر: احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص ۱۳۶.
- ۳۴- کرمر: احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص ۱۳۶، سرور: سیاسه الفاطمیین الخارجیه، ص ۵۷.
- ۳۵- رک: مبحث نسب فاطمیان و دیدگاه‌های گوناگون در مورد آن همین رساله، ص ۲۴، ر ک: النجوم الزاهره، ۴/۷۹.
- ۳۶- احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ص ۱۳۷، ابن تغری بردی، النجوم الزاهره، ۴/۱۲۸.
- ۳۷- کرمر: احیای فرهنگی آل بویه، ص ۱۳۷.
- ۳۸- سرزمین صهاجه همان سنگال امروزی است که در شرق الجزایر در حد فاصل جبل اوراس تاتنس می‌باشد. ر ک: عواصم بنی زیری، ص ۵.
- ۳۹- العربی: عواصم بنی زیری، ص ۱۳۲، ابن اثیر: الكامل فی التاریخ، ۵/۳۸۰، ابن خلدون: العبر، ۴/۴۹، بوسورث: سلسله‌های اسلامی، ص ۵۴، ابن تغری بردی: النجوم الزاهره، ۵/۷۶، مقریزی: اتعاظالحنفاء، ص ۱/۲۲۳، القرشی: عیون الاخبار و فنون الاثر، ۶/۱۸۵.
- ۴۰- سرور: سیاسه الفاطمیین الخارجیه، ص ۲۲۳، العربی: عواصم بنی زیری، ص ۱۳۲، النجوم الزاهره، ۵/۷۶ (پاورقی).
- ۴۱- سرور: سیاسه الفاطمیین الخارجیه، ص ۲۲۵، خضیری: علاقات الفاطمیین فی مصر بدول المغرب، ص ۳۰.
- ۴۲- ابن تغری بردی: النجوم الزاهره، ۵/۵۲، کامل موسی عبده: الفاطمیین، ص ۴۷.
- ۴۳- زیب: الموسوعه العامه التاریخ المغرب و الاندلس، ص ۲۰۰.

- ۴۴- خضیری: علاقات الفاطميين في مصر بدول المغرب، ص ۷۸.
- ۴۵- خضیری: علاقات الفاطميين، ص ۷۴، ابن اثیر: الكامل فی التاريخ، ۱۶۷/۲۰۰.
- ۴۶- ابن تغری بردی: النجوم الزاهره، ۵/۵۲، العربی: عواصم بنی زیری، ص ۱۳۷، ابن عذاری: البیان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب، ص ۱/۲۹۰.
- ۴۷- عواصم بنی زیری، ص ۱۳۷، سرور: سیاسه الفاطميين الخارجیه، ص ۲۲۸، کامل موسی عبده: الفاطميون و آثام المعماریه و ... ص ۴۷، البیان المغرب، ۱/۲۹۰.
- ۴۸- الصلابی: الدوله العبيديه فی ليبيا، ص ۱۴۵، ابن اثیر: الكامل فی التاريخ، ۹/۶۴۴، ابن خلدون: العبر، ۴/۶۲، ابن میسر: تاریخ ابن میسر، ص ۲۰، ابن تغری بردی: النجوم الزاهره، ص ۵/۱۲، الاصفهانی، عماد الدین: زبده النصره و نخبه العصره، ص ۱۹، ابن الوردی: تاریخ ابن الوردی، ۱/۳۵۳.
- ۴۹- الدوله العبيديه فی ليبيا، ص ۱۴۵، ابن کثیر: البدايه و النهايه، ۱۲/۲۸.
- ۵۰- قلقشندی: صبح الاعشى، ۱۰/۴۵۹، ابن میسر: تاریخ ابن میسر، ص ۱۳۰، الصلابی: الدوله العبيديه فی ليبيا، ص ۱۴۶، کسائی، نورالله: مدارس نظامیه: ص ۱۴.
- ۵۱- الصلابی: الدوله العبيديه فی ليبيا، ص ۱۴۷، رک: تاریخ جنگهای صلیبی، استیون رانسیمان، ص ۳۳۴.
- ۵۲- سرور: سیاسه الفاطميين الخارجیه، ص ۱۵۲، ۱۵۸.
- ۵۳- سرور: النفوذ الفاطمی فی جزیره العرب، ص ۱۴، ۱۵، سرور: سیاسه الفاطميين الخارجیه، ص ۲۳ و ۳۴، رک: العبر، ابن خلدون، ۴/۹۹.
- ۵۴- سرور: النفوذ الفاطمی، ص ۱۸، ۱۹، سرور: سیاسه الفاطميين الخارجیه، ص ۲۸.
- ۵۵- ابن تغری بردی: النجوم الزاهره، ۵/۷۳، سرور: سیاسه الفاطميين الخارجیه، ص ۲۸.
- ۵۶- النجوم الزاهره: ۷۳، ۵، سرور: النفوذ الفاطمی، ص ۲۰، سیاسه الفاطميين الخارجیه، ص ۲۹، العبر، ۴/۱۰۳.
- ۵۷- ماجد: نظم الفاطميين، ۱/۲۲۱.
- ۵۸- متز: تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ص ۲۳۹، ابن جبیر، سفرنامه، ص ۷۰.



- ۵۹- ابن ممتی، قوانین الدواوین، ص ۲۳۷، ۳۴۹.
- ۶۰- قلقشندی: صبح الاعشی، ۳/۴۵۹.
- ۶۱- ابراهیم حسن، تاریخ الاسلام سیاسی، ۳/۲۹۶.
- ۶۲- الحمادی الیمانی: کشف اسرار الباطنیه و اخبار قرامطه، ص ۲۱۹، الدواداری، کنزالدرر و جامع الغرز، ۶/۴۱۶، دائره المعرف بزرگ اسلامی، ذیل اسماعیلیه، ص ۶۹۱، ابن تغری بردی: النجوم الزاهره، ۵/۵۹ ابن خلدون: العبر، ۴/۲۱۴.
- ۶۳- تامر: اسماعیلیه و قرامطه در تاریخ، ص ۱۴۲، الحمادی الیمانی: کشف اسرار الباطنیه و اخبار قرامطه، ص ۲۱۹.
- ۶۴- سرور: سیاسه الفاطمیین الخارجیه، ص ۸۲ ابن تغری بردی: النجوم الزاهره، ۵/۱۱، ر ک: العبر، ابن خلدون، ۴/۲۱۵، ماجد: السجلات المستنصریه، سجل شماره ۳۴، ۱۴.
- ۶۵- سرور: سیاسه الفاطمیین الخارجیه، ص ۸۴، ابن تغری بردی: النجوم الزاهره، ۵/۱۷۲ (پاورقی).
- ۶۶- سرور: سیاسه الفاطمیین الخارجیه، ص ۸۲، الحمادی الیمانی: کشف اسرار الباطنیه و اخبار قرامطه، ص ۲۱۹.
- ۶۷- سیاسه الفاطمیین الخارجیه، ص ۵۶.
- ۶۸- ابن عذاری: بیان المغرب، ص ۸۳.
- ۶۹- بیان المغرب: ص ۱۱۲، ابن خلدون: العبر، ۴/۳۹.
- ۷۰- بیان المغرب، ص ۱۱۹، بروکلیمان: تاریخ الشعوب الاسلامیه، ص ۲۵۰.
- ۷۱- مشکور: فرهنگ فرق اسلامی، ص ۳۵۸، تامر: اسماعیلیه و قرامطه در تاریخ، ترجمه حمیرا زمردی، ص ۵۶، الحمادی الیمانی: کشف اسرار الباطنیه و اخبار قرامطه، ص ۱۹۹، عنان: الحاکم بامرالله، ص ۶۸، النوبختی: فرق الشیعہ، ص ۱۰۵.
- Eliade. Mircea. The encyclopedia of religion , vol 13 p 250.
- HASTING. JAMES. Encyclopedia of religion and ethics. Vol 11 p 456.
- The new encyclopedia Britannica vol 6 p 415.

- ۷۲- النوبختی: فرق الشیعه، ص ۲۵۰، غالب مصطفی: القرامطه بین المدوالجزر، ص ۵-۶، رک: قرمطیان بحرین و یمن، دخویه، ص ۴۸.
- ۷۳- قرطبی: دنباله تاریخ طبری، ص ۶۹۲۲، العیون و الحدائق فی اخبار الحقایق، مؤلف نامعلوم، ص ۲۴۹، الحمادی: کشف الاسرار الباطنیه، ص ۲۰۰، ابن تغری بردی: النجوم الزاهره، ۳/۲۵۴.
- ۷۴- العیون و الحدائق، ص ۲۵۸، الفاخوری: تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، ص ۱۸۶، النجوم الزاهره، ۳/۳۴۵.
- ۷۵- زیود: العلاقات بین الشام و مصرفی عهدین: ص ۳۳۶، دخویه: قرمطیان بحرین و فاطمیان، ص ۶۵.
- ۷۶- دخویه: قرمطیان بحرین و فاطمیان، ص ۱۱۰، ابن تغری بردی: النجوم الزاهره، ۴/۷۸.
- ۷۷- ابن حوقل: صورہ الارض، ص ۲۰.
- ۷۸- دخویه: قرمطیان بحرین و فاطمیان، ص ۵۵، لويس، برنارد: اسماعیلیان در تاریخ، ۱۸۵.
- ۷۹- بیهقی: تاریخ، تصحیح علی اکبر فیاض، ص ۲۲۴.
- ۸۰- درزی در فارسی به معنی سوزن و خیاط می باشد و دروز جمع غلط و مصطلح به جای درزیه می باشد.
- ۸۱- اسماعیلیه، مجموعه مقالات، ص ۵۴۳، گلدزیهر: العقیده والشریعه، ص ۲۱۶، ابن تغری بردی: النجوم الزاهره، ص ۴/۱۸۴.
- ۸۲- اسماعیلیه، مجموعه مقالات، ص ۵۴۴، نجلام: تحقیقی جدید در تاریخ مذهب و جامعه دروزیان ص ۱۵۹.
- ۸۳- ابن تغزی بردی، النجوم الزاهره، ۴/۱۸۶، اسماعیلیه، مجموعه مقالات، ص ۵۴۴، بروکلان، تاریخ الشعوب الاسلامیه، ص ۲۵۵.
- ۸۴- نجلام: تحقیقی جدید در تاریخ مذهب و جامعه دروزیان، ص ۱۵۷، النجوم الزاهره، ۴/۱۸۵، (پاورقی)

۸۵- ابن تغزی بردی: النجوم الزاهره، ۴/۱۸۵، نجلام: تحقیقی جدید در تاریخ مذهب و جامعه دروزیان، ص ۱۶۰.

### منابع و مأخذ

- ۱- آبروی، آ، ج، ...، تاریخ اسلام کمبریج، ترجمه احمد آرام، انتشارات امیر کبیر، چ اول، ۱۳۷۷.
- ۲- آل علی، نورالدین، اسلام در غرب، انتشارات دانشگاه تهران، چ اول، ۱۳۷۰.
- ۳- آیتی، محمد ابراهیم: آندلس با تاریخ حکومت مسلمین در اروپا، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۳.
- ۴- ابراهیم حسن، حسن: تاریخ الاسلام سیاسی و الدینی و التقافی و الاجتماعی، دارالفکر، الطبعة الثانية، عشره، ۱۴۱۱ هـ.ق.
- ۵- ابن اثیر، عزالدین: الكامل فی التاریخ، دارصادر، بیروت، ۱۳۸۵ هـ.ق.
- ۶- ابن بطریق: التاریخ المجموع علی التحقیق و التصدیق، مطبعة الابارالیسوعیین، بیروت، ۱۹۰۹ (م)
- ۷- ابن تغری بردی، جمال الدین: النجوم الزاهره فی ملکوک مصر و القاهره، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۳ هـ.ق.
- ۸- ابن جبیر، محمد بن احمد: سفرنامه ابن جبیر، تصحیح ویلیام رایت، ترجمه پرویز اتابکی، انتشارات آستان قدس رضوی، چ اول، ۱۳۷۰.
- ۹- ابن جلب راغب، تاج الدین محمد بن علی: المنتقی فی اخبار مصر (تاریخ ابن میسر)، انتقاء تقی الدین احمد بن علی مقریزی، المعهد العلمی الفرنسی للآثار الشرقیه، قاهره، بی‌نا.
- ۱۰- ابن حوفل، ابوالقاسم محمد: صورہ الارض، چاپ لیدن، چاپخانه بریل، ۱۹۳۸ (م)
- ۱۱- ابن خلدون، عبدالرحمن العبر و دیوان المبتدا و الخیر ... (تاریخ ابن خلدون) مؤسسه الاعلمی للمطبوعات بیروت، لبنان، ۱۳۹۱ هـ.ق.

- ۱۲- ابن رسته، ابوعلی احمد بن عمر، اعلاق النفیسه، دار احیاء التراث العربی، الطبعة الاولى، بیروت، ۱۴۰۸ هـ.ق.
- ۱۳- ابن العدیم الحلبي الحنفی، کمال الدین ابوالقاسم: زبده الحلب من تاریخ حلب، دارالکتب العلمیه، بیروت، الطبعة الاولى، ۱۴۱۷ هـ.ق.
- ۱۴- ابن عذارى، ابو عبدالله، البیان المغرب فی اخبار الاندلس و المغرب، دارالثقافه للنشر والتوزیع، الطبعة الاولى، ۱۴۰۶ هـ.ق.
- ۱۵- ابن کثیر دمشقی، ابوالفداء الحافظ: البدایه و النهایه، دارالکتب العلمیه، بیروت، لبنان، بی تا.
- ۱۶- ابن مماتى، اسعد: کتاب قوانین الدواوین، مکتبه مدبولی: القاہره، الطبعة الاولى، ۱۴۱۱ هـ.ق.
- ۱۷- ابن الوردی، زین الدین عمر: تاریخ ابن الوردی، دارالکتب العلمیه، بیروت، الطبعة الاولى، ۱۴۱۸ هـ.ق.
- ۱۸- احمد، عزیز: تاریخ سیسیل در دوره اسلامی، ترجمه نقی لطفی و محمد جعفر یاحقی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.
- ۱۹- اسماعیلیه، مجموعه مقالات، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ۲۰- الانطاکی، یحی بن سعید بن یحیی: تاریخ الانطاکی (معروف بصله تاریخ اوتیخا)، جروس برس، الخامسة، بیروت، ۱۹۹۰ (م).
- ۲۱- بروکلیمان، کارل: تاریخ الشعوب الاسلامیه، نقله الی العربیه، منیر البعلبکی، دارالعلم للملایین، الطبعة الخامسة، بیروت، ۱۹۶۸ (م).
- ۲۲- بوسورث، کلیفورد ادموند: سلسله های اسلامی، ترجمه فریدون بدره ای، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۱.
- ۲۳- تامر، عارف: اسماعیلیه و قرامطه در تاریخ، ترجمه حمیرا زمردی، چاپ نیل، چ اول، ۱۳۷۷.

- ۲۴- الحمادی الیمانی، محمد بن مالک: كشف الاسرار الباطنيه و اخبار القرامطه، دارالکتب المصریه، الطبعة الثانية، ۱۳۷۵ هـ.ق.
- ۲۵- خضیری، احمد حسن: علاقات الفاطميين في مصر بدول المغرب، مكتبه مدبولی، القاهرة، الطبعة الاولى، بی تا.
- ۲۶- دایره المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۷.
- ۲۷- دخویه، میخائیل: قرمطیان بحرین و فاطمیان، ترجمه محمد باقر امیر خانی، انتشارات سروش، چ اول، ۱۳۷۱.
- ۲۸- الدشراوی، فرحات: الخالافه الفاطمیه بالمغرب، دارالمغرب الاسلامی، الطبعة الاولى، ۱۹۹۴ (م).
- ۲۹- الدواداری، ابوبکر بن عبدالله، کنز الدرر و جامع الغرر، تحقیق صلاح الدین المنجد، مطبعة لجنه التألیف و الترجمة و النشر القاهرة، ۱۳۸۰ هـ.ق.
- ۳۰- الذهبی، شمس الدین: تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، دارالکتب العربی، الطبعة الاولى، ۱۴۱۳ هـ.ق.
- ۳۱- الذهبی، شمس الدین: العبر فی خبر من غیر، دائره المطبوعات و النشر، کویت، ۱۹۶۱ (م).
- ۳۲- رانسیمان، استیون: تاریخ جنگهای صلیبی، ترجمه زهرا مهشاد طباطبایی، انتشارات حسینیه ارشاد، بی تا.
- ۳۳- زیب نجیب: الموسوعه العامه لتاریخ المغرب و الاندلس، دارالامیر للثقافه و المعلوم، بیروت، لبنان، الطبعة الاولى، ۱۴۱۵ هـ.ق.
- ۳۴- زیود، محمد احمد: العلاقات بین مصر و الشام فی عهدین، داراحسان، دمشق، ۱۴۰۹ هـ.ق.
- ۳۵- سرور، محمد جمال الدین: سیاسه الفاطمیین الخارجیه، دارالفکر العربی، ۱۳۸۶ هـ.ق.

- ٣٦- سرور، محمد جمال الدين: النفوذ الفاطمي في جزيره العرب، دارالفكر العربي، الطبعة الثانيه، ١٩٥٧ (م).
- ٣٧- سيوطي، جلال الدين عبدالرحمن: تاريخ الخلفاء، مطبعه السعاده بمصر، الطبعة الاولى، ١٣٧١ هـ.ق.
- ٣٨- الشريف، احمد ابراهيم: العالم الاسلامي في المعصر العباسي، دارالفكر العربي، الطبعة العولى، بى تا.
- ٣٩- الصلابي، على محمد: الدوله العبيديه في ليبيا دارالبياق، اردن، عمان، الطبعة الاولى، ١٤١٨ هـ.ق.
- ٤٠- عثمان، هاشم: الاسماعيليه بين الحقائق و الاباطيل، مؤسسه الاعلمى للمطبوعات، بيروت، الطبعة الاولى، ١٤١٩ هـ.ق.
- ٤١- العربى، اسماعيل: عواصم بنى زيرى، دارالرائد العربى، بيروت، لبنان، الطبعة الاولى، ١٤٠٤ هـ.ق.
- ٤٢- عقاد، عباس محمود: الوالانبياء (المجموعه الكامله) بى نا، بيروت، ١٩٧٨ (م).
- ٤٣- عنان، محمدالله: تاريخ دولت اسلامى در اندلس، ترجمه عبدالمحمد آيتى، انتشارات كيهان، تهران، چ اول، ١٣٦٦.
- ٤٤- عنان، محمد عبدالله: الحاكم بامرالله و اسرار الدعوه الفاطميه، مطبعه لجنه التأليف و الترجمة و النشر، القاهره، الطبعة الثانيه، ١٣٧٩ هـ.ق.
- ٤٥- العيون و الحدائق فى اخبار الحقائق، مؤلف نامعلوم، تحقيق عمرالسعيدى، المعهد الفرنسى بدمشق، ١٩٧٢ (م).
- ٤٦- غالب، مصطفى: القرامطه بن المد و الجزر، دارالاندلس، بيروت، بى تا.
- ٤٧- الفاخورى، حنا: تاريخ فلسفه در جهان اسلامى، ترجمه عبدالمحمد آيتى، انتشارات آموزش انقلاب اسلامى، تهران، چ سوم، ١٣٦٧.
- ٤٨- القرشى، ادريس عمادالدين: عيون الاخبار و فنون الاثار، دارالاندلس، الطبعة الثانيه، ١٤٠٦ هـ.ق.

- ۴۹- قرطبی، عریب بن سعد: دنباله تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۴.
- ۵۰- قلقشندی، ابوالعباس احمد بن علی: صبح الاعشی فی صناعه الانشاء المؤسسه المصریه العامه للتألیف و الترجمه و الطباعه والنشر، بی‌تا.
- ۵۱- کامل موسی عبده، عبدالله: الفاطمیون و آثارهم المعماریه فی افریقیه و مصر و الیمن، دارالافتاح العربیه، الطبعة الاولى، ۱۴۲۱ هـ.ق.
- ۵۲- کرمر، جوئل، ل: احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، مرکز نشر دانشگاهی، چ اول، ۱۳۷۵.
- ۵۳- کسائی، نورالله، مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، انتشارات امیر کبیر، تهران چ اول، ۱۳۶۳.
- ۵۴- گلدزیهر: العقیده و الشریعه فی الاسلام، عربیه محمد یوسف موسی و ...، القاہره، ۱۹۴۶ م.
- ۵۵- لويس، برنارد: اسماعیلیان در تاریخ، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات مولی، تهران، ۱۳۶۸.
- ۵۶- ماجد، عبدالمنعم، السجلات المستنصریه، دارالفکر العربی، ۱۹۵۴ (م).
- ۵۷- ماجد، عبدالمنعم، نظم الفاطمیین و رسومهم فی مصر، مکتبه الانجلو المصریه، ۱۹۵۳ (م).
- ۵۸- متز، آدام: تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه علی رضا ذکاوتی قراگزلو، انتشارات امیر کبیر، چ اول، ۱۳۶۲.
- ۵۹- محمدی، ذکراالله، نقش فرهنگ و تمدن اسلامی در بیداری غرب، انتشارات دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، ۱۳۷۳.
- ۶۰- مدیر شانه چی، کاظم: کتاب و کتابخانه در اسلام (مجموعه مقالات)، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، چ اول، ۱۳۷۴.

- ۶۱- مشکور، محمد جواد: فرهنگ فرق اسلامی، بنیاد پژوهشهای استان قدس رضوی، چ سوم، ۱۳۷۵.
- ۶۲- مقریزی، تقی الدین احمد بن علی: اتعاض الحنفاء باخبار الائمه الفاطميين الخلفاء، لجنه احیاء التراث الاسلامی، القاہرہ، ۱۳۸۷ هـ.ق.
- ۶۳- النابلسی، عثمان بن ابراهیم: کتاب لمع القوانين المضيئه فی دوانین الدیار المصریہ، بی نا، بی تا.
- ۶۴- نجلام، ابو عزالدین: تحقیقی جدید در تاریخ و مذهب و جامعہ دروزیان، ترجمہ احمد نمایی، انتشارات بنیاد پژوهشهای استان قدس رضوی، مشهد، چ اول، ۱۳۷۲.
- ۶۵- النوبختی، الحسن بن موسی: فرق الشیعہ، ترجمہ محمد جواد مشکور، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳.
- ۶۶- النوبختی، الحسن بن موسی: فرق الشیعہ، دارالاضواء، بیروت، الطبعة الثانية، ۱۴۰۴ هـ.ق.
- ۶۷- الوردانی، صالح: الشیعہ فی مصر مکتبه مدبولی الصغیر، الطبعة الاولى، ۱۴۱۴ هـ.ق.
- 68- HASTINGS, james, incyclopedia of religion and ethics. EDINBURGH. 1971.
- 69- the encyclopedia of religio. Macmilan, publishing new York. by, eliade mircea.
- 70- the new encyclopedia britanic. Library of congress. Printed in USA.